

شنبه؛ سیزدهم اسفندماه ۱۴۰۱

نشست شانزدهم فقه پزشکی؛ پرونده نهم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد و آله الطاهرين

اللهم كن لوليک الحجة ابن الحسن صلواتک علیه و علی آباءه فی هذه الساعة و فی کل ساعة ولیا وحافظا
و قائدا و ناصرًا و دليلا و عینا حتی تسکنه ارضک طوعا و تمتعه فیها طویلا

پرونده نهم: ازاله بکارت

یکی از سوالاتی که مرتب قضات از مرکز تحقیقات قوه قضاییه می پرسند راجع به ازاله بکارت هست که از
قدیم هم بوده است.

ولی اگر غیر بالغ باشد یا توجهی نداشته باشد به مساله مثل این که دختر فریب خورده باشد، یا وعده
ازدواج به او داده باشند، این جا ارش البکاره هست؛

دوست دارم دقت کنید قاعده اقدام از آن قواعدی است که بسیار کاربرد دارد؛ اولاً ما اقدام را تاحدی
قبول داریم؛

من در مورد بچه برای خودم هم سوال است بزرگانی که به طور مطلق می گویند بچه به او ارش تعلق نمی
گیرد، چرا تعلق نمیگیرد؟!

قاعده اقدام اگر نص و روایتی هم داشته باشد، باید طبیعی با آن برخورد کرد.

این یک قاعده عقلایی است ما نباید از یک قاعده عقلایی یک تابو درست کنیم، اطلاق گیری کنیم.

مثل اقرار العقلاء علی انفسهم نافذ یا جائز...

می گوید این قاعده اطلاق دارد حتی با علم به خلاف قاضی؛ سوال این است که آیا با علم به خلاف قاضی
ما می توانیم به این قاعده ملتزم شویم؟ ممکن است فردی را فریب داده باشند که مثلا تو اقرار به قتل بکن
ما تو را نجات میدهیم... مثلا یک پول خوبی هم به او میدهند و جالب این است که قاضی هم میداند؛
سوال این است که اگر قاضی در این شرایط که آگاه به این جریان است اگر حکم کند، آیا حکم بغیر ما انزل
الله نیست؟

درین عقلا بیع سفهی اعتبار ندارد، این احل الله البیع هم امضا ما عندالعقلا است و امضا نمیتواند اوسع
از ما عند العقلا باشد.

اطلاقها وعمومها تابع لما عند العقلا

آیه: الا ان تكون تجارة عن تراض منكم

سوال آیا این آیه اطلاق به هر تجارت از هر تراضی میکند؟

میگوییم اگر این نص یک نص امضایی هست، باید بروید عندالعقلا؛ اگر عقلا هر تجارت از تراضی را قبول می کنند، آیه هم تایید می کند.

پس دو مطلب شد: قاعده اقدام مثل قاعد اقرارالعقلا یک قاعده عقلائی است.

اگر اجازه دهید برویم سراغ سوال دوم؛ ارزش البکاره چگونه محاسبه می شود؟

و سوال سوم این بود که آیا ارزش البکاره معادل مهر المثل است؟

کسی که به یک دختری تجاوز می کند و ازاله بکارت می کند، سوال این است که مهر امثال این دختر چقدر است؟

قاعدتا در کشور ما بسیار بیشتر از ارزش است....

این دختر را یک بار به عنوان دختر در نظر می گیرند یک قیمت در نظر می گیرند و یک بار هم به عنوان بکر در نظر می گیرند و یک قیمت دیگری در نظر می گیرند.

به هر حال سوال این است ارزش البکاره مساوی مهر المثل است یا نه؟

به هر حال این داستان را باید در کشورهای دیگر هم بررسی کرد، صرفا در کشور خود دنبال نکنیم کشور ما محور عالم که نیست.

در کشورهای خارج در جزئیات هم وارد می شوند.

و برای محاسبه تمام جزئیات را در نظر می گیرند.

گاه عقلا مصالحی را در نظر میگیرند و مطلبی را بیان میکنند و گاهی عقلا، مطلبی را به عنوان ما عندالعقلا بیان می کنند که وجوه آن متفاوت است.

اگر نص شرعی هم که باشد نمی تواند این وضع تغییر کند.

چون شما باید نص شرعی را در محیط فهم عقلا معنا کنید.

یا به عموم آن تمسک کنید مگر این که یک بیانی از شارع باشد که فوق العاده باشد.

مثلا این جمله الناس مسلطون علی اموالهم

همه انسانها این قاعده و این جمله را قبول دارند.

سوال این است که الناس مسلطون ولو به هر قیمتی حتی به قیمت ایذای دیگران؟!

نکته ای که باید رعایت شود تناسب رادع با مردوع و بیان با مبین است .

قضیه ولایت امام علی را نبی مکرم از یوم الانذار بیان می کند تا روز غدیر.... و هر چه موضوعی مهم باشد بیان در اطراف آن و یا در رد آن باید قوی تر باشد.

ما دو نظر عمده در مساله داریم:

یکی این که ارش البکاره معادل مهر المثل است.

دوم این که ارش البکاره به تشخیص دو کارشناس به عنوان یک زخم بر بدن باید تشخیص داده شود.

آیت الله مکارم معتقدند ارش البکاره معادل مهر المثل است .

بگذریم که ایشان در یک مقطعی ارش البکاره را زیر سوال برده است. و بعد گفته: ارش البکاره هست و همان مهر المثل است.

در مقابل شهید ثانی را داریم....

ان تفویت الجزء یوجب الارش

می گوید یک جزئی از زن گرفته شده و هر وقت جزئی از یک انسانی گرفته شود، و توجه هم نداشته باشد یا به زور باشد، یوجب الارش.....

غیر از شهید ثانی اداره حقوقی قوه قضائیه هم نظری در این باره دارد:

در نظر مشورتی شماره ۷/۳۱۳۶/۷ یازدهم آبان ماه ۱۳۷۸:

بایستی طبق نظر کارشناس ، با تعیین ارش مبادرت به صدور ارش شود.

نظر کارشناس هم طبق قاعده است .